

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

شهادت تاریخ

۹

اوصاف اصحاب

۲۸ فروردین ۱۳۸۷

۹ ربیع الثانی ۱۴۲۹

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله

على أعدائهم أجمعين » .

قال الله الحكيم في محكم كتابه :

﴿ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ
تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي
وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ
كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ
الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ﴿١﴾ .

محمد ﷺ فرستاده خداست، و کسانی که با او هستند در برابر
کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند، پیوسته آنها را
در حال رکوع و سجود می بینی در حالی که همواره فضل خدا و
رضای او را می طلبند، نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده

نمایان است، این توصیف آنان در تورات و توصیف آنان در انجیل است، همانند زراعتی که جوانه‌های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و برپای خود ایستاده است و به قدری نمو و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وامی‌دارد، این برای آن است که کافران را به خشم آورد! ولی کسانی از آنها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند وعدهٔ آمرزش و اجر عظیمی داده است.

نشانه‌های همراهان رسول الله ﷺ؛

موضوع سخن، عدالت تمامی صحابهٔ رسول الله ﷺ بود. تا کنون شش آیه از آیاتی که علماء و متکلمین اهل سنت برای اثبات نظر خود به آن استناد می‌کنند را نقد و بررسی نمودیم و بدین نتیجهٔ مهم و قطعی دست یافتیم که هیچ یک از آن آیات مدعای اهل سنت را اثبات و تأیید نمی‌کند.

هفتمین آیه‌ای که نظریه پردازان عدالت صحابه به آن استناد می‌کنند آیهٔ

۲۹ سورهٔ مبارک فتح می‌باشد، در این آیه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ

فَازَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوْقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ
اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ﴿٤٧﴾ .

محمد ﷺ فرستاده خداست، و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند، پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می بینی در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را می طلبند، نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است، این توصیف آنان در تورات و توصیف آنان در انجیل است، همانند زراعتی که جوانه های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و به قدری نمو و رشد کرده که زارعان را به شگفتی و امید دارد، این برای آن است که کافران را به خشم آورد! ولی کسانی از آنها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، خداوند وعده آمرزش و اجر عظیمی داده است.

در آیه فوق، خداوند متعال از رسول الله ﷺ با نام مبارکشان یاد و مأموریت رسالت ایشان را بیان می کند و سپس اوصاف و نشانه های همراهان رسول الله ﷺ، ﴿وَالَّذِينَ مَعَهُ﴾ را ذکر می کند. خداوند متعال در این آیه نخست برخی از صفات و ویژگی های مؤمنین را از دیدگاه تورات بیان می کند که عبارتند از؛

- ۱ - ﴿أَشِدَّاءَ عَلَى الْكُفَّارِ﴾؛ در مقابل دشمنان، کفار و ملحدین، سر سخت و شدید هستند و با تصلب، غیظ و پایدردی برخورد می‌کنند.
- ۲ - ﴿رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ﴾؛ در برابر مؤمنین با رأفت و رحمت رفتار می‌کنند.
- ۳ - ﴿تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا﴾؛ پیوسته در حال رکوع و سجوداند.
- ۴ - ﴿يَتَنَبَّغُونَ فُضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا﴾؛ طالب فضل و رضای الهی هستند.
- ۵ - ﴿سَيَمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ﴾؛ چهره ایشان خبر از سجده‌های طولانی می‌دهد.

خداوند متعال سپس در همان آیه صفات مؤمنین را از انجیل بیان می‌کند و می‌فرماید: ﴿كَزَّرَعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ...﴾ مؤمنین همانند نهالی هستند که سر از خاک بیرون آورده‌اند و دارای شاخ، برگ و قوت می‌باشند و می‌توانند راست قامت بایستند. ﴿يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُعِيْظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ﴾ به گونه‌ای که زارع از تماشای این نهال نیرومند، لذت می‌برد و دشمنان و کینه‌توزان را به غیظ و غضب وا می‌دارد. خداوند متعال در آیه ۲۸ سوره فتح؛ یعنی یک آیه قبل از آیه مورد بحث وعده پیروزی دین اسلام را می‌دهد و می‌فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا﴾^(۱).

او کسی است که رسولش ﷺ را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را

۱- سوره فتح، آیه ۲۸.

بر همهٔ ادیان پیروز کند و کافی است که خداوند گواه این موضوع باشد.

خداوند متعال در این آیه با چنان قاطعیتهی شهادت خود را کافی می‌داند که هر شنونده‌ای به این موضوع پی می‌برد که خداوند بهترین شاهد و گواه است. متعلق شهادت خداوند متعال آیهٔ بعدی می‌باشد؛ یعنی رسالت رسول الله ﷺ و علائم و صفات همراهان ایشان.

خداوند سبحان در آیه‌ای دیگر برخی از صفات مؤمنین واقعی - که خداوند آنها را دوست می‌دارد و آنها نیز خداوند را دوست می‌دارند - را بیان می‌کند.

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿١﴾ .

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما، از آیین خود بازگردد، به خدا زبانی نمی‌رساند خداوند جمعیتی را می‌آورد که آنها را دوست دارد و آنان نیز او را دوست دارند، در برابر مؤمنان متواضع و در برابر کافران سر سخت و نیرومندند، آنها در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری هراسی ندارند، این فضل خدا است که به

هر کس بخواهد و شایسته ببیند می‌دهد و فضل خدا وسیع و خداوند داناست.

بر اساس آیه فوق، برخی دیگر از صفات مؤمنین واقعی عبارت است از؛ فروتنی در برابر مؤمنین؛ با شدت و حدت در برابر مشرکین؛ جهاد در راه خدا و بی‌اعتنایی به سرزنشهای دیگران.

در این آیه، خداوند متعال به همه آنانی که ایمان آورده‌اند اعلام می‌کند: ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر از ایمان و اعتقاداتتان بر گردید و مرتد شوید، خداوند از وعده خود که غلبه و پیروزی دین اسلام بر همه ادیان و تفکرات است عدول نمی‌کند.

اسباب و ابزار غلبه دین الهی، رسول الله ﷺ و اصحاب راستین ایشان می‌باشند؛ بنابر این خداوند گروهی را جایگزین شما می‌کند تا وعده خود را محقق سازد؛ گروهی که در راه خدا جهاد می‌کنند و از شماتت و سرزنش دیگران هیچ ترس و هراسی ندارند.

آری! اصحاب راستین کسانی هستند که در برابر همه سختی‌ها و نا‌ملايمات صبور هستند. زخم شمشیر و زخم زبان را تحمل می‌کنند، و چه بسا که تحمل زخم زبان و شماتت، سخت‌تر از زخم شمشیر می‌باشد؛ زیرا زخم زبان قابل التیام نیست اما جراحت شمشیر پس از مدتی بهبود می‌یابد و آثار آن از بین می‌رود.

به قول شاعر؛

جراحات السنان له التئام ولا يلتام ما جرح اللسان^(۱)

این برد باری و تحمل در برابر همه سختیها، به رایگان به دست نمی آید، و گنج شایگانی است که خداوند سبحان به هر که بخواهد و قابلیت و استعداد داشته باشد، ارزانی می دارد.

از مجموع آیات سوره فتح و مائده روشن شد که خداوند متعال، بندگان و برگزیدگان ویژه‌ای را با رسول الله ﷺ همراه می کند، تا به وسیله آنان وعده خود را محقق کند.

وعده خداوند سبحان که، پیروزی و غلبه دین اسلام بر تمام ادیان است، وعده‌ای حتمی و تخلف ناپذیر است، اما هنوز این وعده محقق نشده است و با اوضاع و احوال موجود که فتنه‌های عصر غیبت از همه سو ما را احاطه کرده است نیز معلوم نیست که چه زمانی به این وعده جامه عمل پوشانده خواهد شد، اما آنچه که مسلم و قطعی است این است که، حتماً این وعده روزی محقق خواهد شد.

نشانه‌های مؤمنین؛

این افراد که همراهان رسول الله ﷺ می باشند و اسباب و ابزار اولیه برای غلبه دین اسلام هستند دارای علائم و نشانه‌هایی می باشند که در این جا

۱- تاج العروس، جلد ۷ صفحه ۳۲۵.

مناسب است با توجه به آیات قرآن مجید، صفات و ویژگی‌های برجسته مؤمنین واقعی را دسته بندی نماییم.

الف: ویژگی‌های مؤمنین در تورات^(۱)؛

قرآن کریم، برخی از صفات و ویژگی‌های مؤمنین را از دیدگاه تورات بیان می‌کند که شامل صفات ذیل می‌شود؛ ۱- در برابر کفار و ملحدین سرسخت و شدید هستند؛ ۲- در برابر مؤمنین با رأفت و رحمت رفتار می‌کنند؛ ۳- پیوسته در حال رکوع و سجوداند؛ ۴- طالب فضل و رضای الهی هستند؛ ۵- چهره‌های آنان خیر از سجده‌های طولانی می‌دهد.

ب: ویژگی‌های مؤمنین در انجیل^(۲)؛

قرآن مجید برخی دیگر از صفات مؤمنین را از انجیل بیان می‌کند و می‌فرماید مؤمنین همانند نهالی هستند که تازه سر از خاک بیرون آورده‌اند اما سریع رشد می‌کنند و نیرومند می‌شوند و روی پای خود می‌ایستند؛ به گونه‌ای که زارعان را به شگفتی وا می‌دارد. در انتها خداوند متعال می‌فرماید این ویژگی‌ها در وجود مؤمنین به این دلیل است که کافران را به خشم آورد.

ج: ویژگی‌های مؤمنین در قرآن^(۳)؛

قرآن مجید ویژگی‌هایی را هم خودش مستقیماً به مؤمنین نسبت می‌دهد؛

۱- سوره فتح، آیه ۲۹.

۲- سوره فتح، آیه ۲۹.

۳- سوره مائده، آیه ۵۴.

تواضع و فروتنی در برابر مؤمنین، با شدت و صلابت بودن در برابر کفار، جهاد در راه خدا و بی توجهی به سرزنش ملامتگران و بد خواهان از جمله ویژگی‌هایی است که قرآن مجید برای مؤمنین راستین می‌شمارد.

استدلال مالک و کافر دانستن شیعیان؛

مالک ابن انس (۹۵ - ۱۷۹ هـ ق)^(۱) یکی از فقهای برجسته اهل سنت در

ذیل آیه ۲۹ سوره فتح، آنجا که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿لَيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ﴾.

این برای آن است که کافران را به خشم آورد.

می‌گوید:

«بلغني أنَّ النصارى كانوا إذا رأوا الصحابة الذين فتحوا شام يقولون:

والله لهؤلاء خير من الحواريين فيما بلغنا وصدقوا في ذلك؛

این گونه آگاه شدم، هنگامی که مسیحیان، صحابه فاتحین شام را

می‌دیدند می‌گفتند: به خدا سوگند این گروه بهتر از حواریون

می‌باشند. همان گونه که خبر آنان به ما رسیده است. این گفته آنان

راست می‌باشد.

«فإن هذه الأمة معظمة في الكتب المتقدمة وأعضمها وأفضلها أصحاب

۱- وفيات الاعيان، جلد ۴ صفحه ۱۳۷.

رسول الله ﷺ وقد نوه الله تبارك وتعالى بذكرهم في الكتب المنزلة والأخبار المتداولة ولهذا قال سبحانه وتعالى ههنا ﴿ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ﴾ ثم قال: ﴿وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ﴾ ...؛

و از این امت در کتابهای [آسمانی] پیشین به بزرگی یاد شده است. عظیم ترین و با فضیلت ترین آنها، اصحاب رسول الله ﷺ می باشند، و به همین دلیل خداوند متعال از آنان در کتب آسمانی و در اخبار رایج میان مردم، یاد کرد، لذا خداوند متعال در قرآن می فرماید: «این توصیف آنان در تورات است» سپس می فرماید: «و اما توصیف آنان در انجیل ...».

ومن هذه الآية انتزع الإمام المالك في رواية عنه بتكفير الروافض، الذين يبغضون الصحابة. لأنهم يبغضونهم ومن غاظ الصحابة فهو كافر، لهذه الآية وواقفه طائفة من العلماء^(۱).

از این آیه، مالک، حکم به کفر رافضی ها (شیعه) که بر صحابه خشمگین می شدند داده است؛ زیرا هر کس بر آنان خشم کند بر اساس دلالت آیه کافر است، و گروهی از فقهاء نیز رأی مالک را در این زمینه پذیرفته اند.

استدلال فقیه درجه اول اهل سنت موجب شگفتی است. اگر روش

۱- تفسیر ابن کثیر، جلد ۴ صفحه ۲۱۹.

استدلال آنان در همه ابواب فقهی به این فصاحت باشد، وای بر فقهای آنان که با این نحوه استنباط، فقه خود را به ابتذال کشانده‌اند؛ زیرا در راه استنباط از ساده‌ترین مسائل غفلت نموده‌اند.

خلاصه استدلال مالک ابن انس از این قرار است که، مبعض صحابه کافر است، شیعیان بغض و کینه صحابه را در دل دارند، در نتیجه شیعیان کافر هستند. خداوند سبحان به دو دلیل همراهان رسول الله ﷺ را مورد تمجید و تکریم قرار داده است؛

۱ - پیامبر ﷺ را به وسیله آنان خشنود سازد.

۲ - کافران از دیدن آنان خشمگین و ناراحت شوند.

در نتیجه چون شیعیان خشم و کینه صحابه را در دل دارند، پس آنان نیز کافر هستند؛ بنابر این هیچ کس حق ندارد در دل هم بغض و کینه‌ای از صحابه رسول الله ﷺ داشته باشد.

استدلال فوق، استدلالی پوشالی و تهی است و بر خلاف ظاهر فریبنده آن، مبنای علمی ندارد. استدلال اهل سنت و علمای درجه اول آنان که بر کرسی فتوا و ریاست نشسته‌اند، نشان دهنده تهی بودن دست آنان از مبانی و مبادی علمی است و این موجب شرمساری کسانی است که خود را پیرو و رهرو این گونه افراد می‌دانند.

نقد استدلال مالک و پیروان لو؛

با اندکی تأمل در نکاتی که تا به حال بیان نمودیم، ضعف استدلال مالک روشن می‌گردد.

الف: قرآن، و برخی دیگر از علائم صحابه؛

آیه مبارک سوره فتح نمی‌تواند در مقام ستایش، تکریم و تجلیل از همه صحابه باشد؛ زیرا اوصافی چون رحمت و رأفت در برابر مؤمنین و شدت و حدت در برابر ملحدین را برای صحابه ذکر می‌کند حال آنکه به طور قطع و جزم می‌دانیم که همه همراهان رسول الله ﷺ دارای این دو ویژگی نبودند. لذا تنها دو راه در پیش رو داریم، ۱ - این آیه را ناظر به همه صحابه ندانیم و بگوییم برخی از صحابه دارای ویژگی‌های ذکر شده بودند، این نظر را ما نیز می‌پذیریم؛ ۲ - بگوییم قرآن کریم دروغ می‌گوید! سؤال ما از علمای اهل سنت این است که کدام یک از دو راه فوق را بر می‌گزینید؟

مالک مدعی است که عبارت ﴿وَالَّذِينَ مَعَهُ﴾ در سوره فتح، همه صحابه را شامل می‌شود ولی ما در پاسخ می‌گوییم چنان نیست؛ زیرا تمام صحابه اوصاف و ویژگی‌های ذکر شده برای مؤمنین را دارا نمی‌باشند. خداوند متعال در رابطه با برخی از صحابه که فاقد اوصاف مؤمنین بودند؛ یعنی از جنگ و مبارزه با کفار می‌ترسیدند و با آنان با صلابت برخورد نمی‌کردند و با مؤمنین با عطف رفتار

نمی‌کردند می‌فرماید:

﴿ وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْلَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ فَإِذَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ مُحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشَىٰ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ ﴿١﴾ .

کسانی که ایمان آورده‌اند می‌گویند: چرا سوره‌ای نازل نمی‌شود که در آن فرمان جهاد باشد؟ اما هنگامی که سوره واضح و روشنی نازل می‌گردد که در آن سخنی از جنگ است، بیماردلان را می‌بینی که همچون کسی که در آستانه مرگ قرار گرفته به تو نگاه می‌کنند، پس مرگ و نابودی بر آنان سزاوارتر است!

آیا به کسانی که به محض تأخیر در نزول وحی، زبان به اعتراض می‌گشودند و هنگام جهاد فرار می‌کردند و از ترس گویا در آستانه مرگ قرار گرفته‌اند، می‌توان نام صحابی نهاد؟! آیا این افراد، صفات همراهان راستین رسول الله ﷺ را دارند!؟

در آیه دیگر خداوند سبحان در رابطه با آنان می‌فرماید:

﴿ قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِينَ مِنْكُمْ وَالْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا وَلَا يَأْتُونَ الْبَأْسَ إِلَّا قَلِيلًا * أَشْحَاةٌ عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشَىٰ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُمْ

۱- سوره محمد [ﷺ]، آیه ۲۰.

بِاللِّسِنَةِ جِدَادٍ أَشْحَهَ عَلَى الْخَيْرِ أَوْلَيْكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ﴿١٩﴾.

خداوند کسانی که مردم را از جنگ باز می‌داشتند و کسانی را که به برادران خود می‌گفتند: به سوی ما بیایید (و خود را از معرکه بیرون کشید)، به خوبی می‌شناسد و آنها (مردمی ضعیف‌اند و) جز اندکی پیکار نمی‌کنند * آنها در همه چیز نسبت به شما بخیلند و هنگامی که (لحظات) ترس (و بحرانی) پیش آید، می‌بینی آن چنان به تو نگاه می‌کنند، و چشمهایشان در حلقه می‌چرخد، که گویی می‌خواهند قالب تهی کنند! اما وقتی حالت خوف و ترس فرو نشست، زبانهای تند و خشن خود را با انبوهی از خشم و عصبانیت بر شما می‌گشایند (و سهم خود را از غنایم مطالبه می‌کنند)، در حالی که در مال حریص و بخیلند، آنها (هرگز) ایمان نیاورده‌اند، از این رو خداوند اعمالشان را حبط و نابود کرد و این کار بر خدا آسان است.

در این آیه هم مانند آیه قبل خداوند متعال برخی از صفات همراهان دروغین رسول الله ﷺ را بر می‌شمارد؛ کسانی که مردم را از جنگ باز می‌دارند و همانند مرگ، از جنگ می‌ترسند. وحشت در هنگام جنگ و شجاعت در زمان صلح از خصوصیات بارز آنان است. بعد از اتمام جنگ با چهره‌ای حق به جانب و

تند زبانی، غنیمت مطالبه می‌کنند و سهم خود را می‌خواهند.

آیا این افراد که در منطق قرآن به بیمار دلان معروف شده‌اند، جزء

اصحاب مورد تمجید قرآن می‌باشند؟

بر اساس دو آیه فوق با برخی از صفات همراهان دروغین رسول الله ﷺ

آشنا شدیم که عبارتند از:

۱- افرادی ترسو، بزدل و تنگ نظر؛ ۲- در مقابل حوادثی که ممکن است

روی دهد، با بیم و خوف برخورد می‌کنند؛ ۳- نسبت به مؤمنان تنگ نظراند؛ ۴-

نسبت به اعمال و افعال خیر ممسک هستند، کار خیر نمی‌کنند و خیر و خوبی

دیگران را نمی‌خواهند^(۱)؛ ۵- پس از دوران وحشت و خوف و در روزگار صلح و

سلامتی با زبانی تند و تیز با مردم برخورد می‌کنند.

حال پرسش اساسی این است که اگر تمام صحابه دارای اوصاف ذکر شده

در سوره فتح می‌باشند، پس خداوند متعال اوصاف گروه دوّم را به چه کسانی

نسبت می‌دهد؟ اگر تمام صحابه به نحو عموم و شمول مردمانی سالم، صالح و

عادل باشند قرآن کریم چه می‌گوید و متعلق اوصاف فوق چه کسانی هستند؟

ب: دشمنی در میان صحابه؛

با رجوع به صفحات تاریخ روشن می‌شود که بین برخی از صحابه رأفت و

۱- می‌گویند: شخصی گاوی را می‌خواست به دوستش هدیه بدهد، به نزد او رفت، دوستش

گفت: این بزغاله چیست؟ آن شخص گفت: می‌خواهم گاو را به تو هدیه بدهم و این

بزغاله را به همسایه ات، آن فرد گفت، نه گاو را به من هدیه کن و نه بزغاله را به همسایه.

رحمت وجود نداشت. آنان با کوچکترین بهانه‌ای به جنگ با یکدیگر می‌پرداختند و دستهایشان را به خون یکدیگر آلوده می‌کردند و از این بابت به هیچ وجه ناراحت و نگران نبودند.

مگر طلحه، زبیر و امیرالمؤمنین علیهم‌السلام جزء اصحاب نبودند؟ جنگ جمل را چه کسانی به راه انداختند؟ صحابه‌ای که رو در روی هم ایستادند و بر روی هم شمشیر کشیدند آیا نسبت به یکدیگر رحمت و عطف داشتند؟ چه کسانی در جنگهای صفین و نهروان در مقابل یکدیگر ایستادند؟ مگر نه اینکه طرفین مبارزه از صحابه بودند؟ (بدون در نظر گرفتن اینکه حق به جانب چه کسی می‌باشد)، مگر کسانی که خانه خلیفه سوّم را محاصره کردند و عثمان را به قتل رساندند جزء صحابه رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نبودند^(۱)؟

آتش جنگ را کینه و غضب شعله‌ور می‌سازد؛ بنابراین جنگهای صحابه با یکدیگر، ریشه در مهربانی و عطف ندارد، بلکه ریشه در بغض و کینه دارد. طلحه در جنگ جمل از پشت سر تیر خورد و کشته شد. گروهی به دنبال پیدا کردن قاتل طلحه بودند که مروان ابن حکم، قتل طلحه را به گردن گرفت و گفت:

«والله إنّ دم عثمان عند هذا»^(۲).

به خدا سوگند، این شخص [طلحه] مسئول خون عثمان است.

۱- برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به جزوه شماره ۴۶ صفحه ۱۵.

۲- معجم احادیث ام المؤمنین عائشة، جلد ۱ صفحه ۲۲۸.

واقعیت خارجی قابل انکار نیست، عثمان و قاتل او، عمار یاسر و قاتل او و بسیاری از مسلمانان که دستشان به خون یکدیگر آغشته شد. همه جزء صحابه بودند همه این وقایع تاریخی، حاکی از یک واقعیت غیر قابل انکار است و آن اینکه نمی‌توان همه صحابه را عادل دانست؛ زیرا آنان در میان خود رفتاری توأم با عطف و مهربانی نداشتند.

ج: صحابه و فرار از جهاد؛

ویژگی مهم دیگری که خداوند متعال به صحابه واقعی نسبت می‌دهد این است که آنان در برابر دشمنان با صلابت و شدت برخورد می‌کنند و از میدان جهاد فرار نمی‌کنند. حال آنکه بسیاری از صحابه میدان جنگ و کار زار را ترک می‌کردند و در لحظات خطرناک فرار را بر قرار ترجیح می‌دادند.

بنابر روایات اهل سنت، فرار از جنگ از گناهان کبیره هفتگانه می‌باشد و به دست آوردن رضا و خشنودی خداوند با فرار از جنگ حاصل نمی‌شود. یکی از موارد فرار صحابه از جنگ - که البته برای زیر سؤال بردن عدالت ایشان همین مورد به تنهایی کافی است - سرپیچی از دستور پیامبر ﷺ در پیوستن به سپاه اسامه بود.

رسول الله ﷺ در مورد تخلف کنندگان از سپاه اسامه فرمودند:

« لعن الله من تخلف عن جيش أسامة »^(۱).

خداوند لعنت کنند، کسانی که سپاه اسامه را همراهی نکند.

۱- خلاصه عقبات الانوار، جلد ۱ صفحه ۷۱، از منابع اهل سنت بنگرید به شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، جلد ۶ صفحه ۵۲.

آیا باز هم می‌توان قائل به عدالت تمامی صحابه شد؟ آیا صحابه‌ای که از سپاه اسامه تخلف کردند و صراحتاً مورد لعن رسول الله ﷺ قرار گرفتند، می‌توانند مورد رضای خداوند سبحان قرار گیرند؟

د: نقدی ادبی بر مالک؛

در برابر استدلال مالک ابن انس و پیروان وی، می‌گوییم آیه ۲۹ سوره فتح بر خلاف ادّعی آنان دلالت می‌کند.

خداوند متعال پس از بیان صفات مؤمنین در انتهای آیه فرمود:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾^(۱).

کسانی از آنها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند،

خداوند وعده آمرزش و اجر عظیمی داده است.

کسی که اندک آشنایی با ادبیات عرب داشته باشد می‌داند که حرف جرّ

(من) در این آیه به معنای ابتدای غایت و بیانیه نمی‌باشد و فقط به معنای

تبعیضیه می‌باشد^(۲). لذا آیه این‌گونه معنا می‌شود که خداوند سبحان به برخی (نه

همه) از صحابه که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند اجر و پاداش بزرگ

می‌دهد. از این آیه در می‌یابیم که همه صحابه کارهای نیک و شایسته انجام

نمی‌دادند و بر ایمان و پیمان خود وفادار نماندند.

۱- سوره فتح، آیه ۲۹.

۲- البهجة المرضية، جلد ۱ صفحه ۲۴۶.

بعض و بین وابتداً في الأمكنة بمن وقد تأتي لبدء الأزمنة

برای توضیح بیشتر بیان می‌کنیم که قید علامت احتراز است. به عنوان مثال، اگر فردی گفت: سید را احترام کن. سید قید احترازی است؛ یعنی احترام غیر سید واجب و لازم نمی‌باشد. در این آیه نیز قید ایمان و عمل صالح احترازی می‌باشد؛ یعنی همه کسانی که با رسول الله ﷺ همراه بودند مشمول غفران و اجر عظیم نیستند و تنها آن پاداش شامل حال کسانی می‌شود که دارای ایمان و عمل صالح باشند. البته در ایمان نیز باید هیچ شک و تردیدی وجود نداشته باشد، همانطور که خداوند سبحان می‌فرماید:

﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ
وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾^(۱).

در میان مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهده‌ای که با خدا بستند صادقانه ایستاده‌اند، بعضی پیمان خود را به آخر بردند (و در راه او شربت شهادت نوشیدند) و بعضی دیگر در انتظارند، و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود ندادند.

و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ
وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾^(۲).

۱- سوره احزاب، آیه ۲۳.

۲- سوره حجرات، آیه ۱۵.

مؤمنان واقعی تنها کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده‌اند، سپس هرگز شک و تردیدی به خود راه نداده و با اموال و جانهای خود در راه خدا جهاد کرده‌اند، آنها راستگویانند.

پشت پرده استدلال اهل سنت؛

استناد مالک ابن انس و همفکران وی به آیه ۲۹ سوره مبارک فتح برای اثبات کفر شیعیان، بسیار آزار دهنده می‌باشد؛ زیرا با توجه به کیفیت استدلال آنان، از یک طرف اطمینان و یقین ما به بی سوادگی و کم بضاعتی علمای آنان بیشتر می‌شود و به قدرت علمی و عظمت علمای شیعه بیشتر پی می‌بریم، و از سوی دیگر بی سوادگی علمای گذشته آنان، چهره واقعی علمای امروزین آنان و بی سوادتر بودنشان را نمایان تر می‌کند. به هر حال، در جلسات عمومی بارها از آنان دعوت به مناظره کرده‌ایم. که یا آنان در این مجلس حاضر شوند یا ما در هر مجلسی که تعیین کنند حاضر شویم و بسیار صریح و به دور از ملاحظات سیاسی به نقد و بررسی آراء یکدیگر بپردازیم، اما متأسفانه تا کنون پاسخی دریافت نکرده‌ایم. حتی به آنان اعلام کرده‌ایم که اگر بتوانند در مجلسی ما را محکوم کنند، احتمالاً میلیونها شیعه تغییر عقیده می‌دهند و سنی می‌شوند ولی با این انگیزه نیز آنان هنوز حاضر نشده‌اند که تن به مناظره دهند. اگر مالک ابن انس، شافعی و ... برای اثبات کفر شیعیان به اشکالات ما توجه نداشتند، چگونه به خود

جرات داده‌اند که بر کرسی بلا منازع فتوا و استدلال تکیه زنند و حکم به تکفیر دیگران دهند و اگر به اشکالات استدلال خود توجه داشتند و حکم تکفیر صادر کردند، بدانند که از دایره عدالت بیرون رفته‌اند، ناگزیر یا عالم نیستند و یا عادل.

ه: بغض و کینه در میان صحابه؛

مالک و پیروان وی با استناد به آیه ۲۹ سوره فتح می‌گویند: هر کس بغض و کینه صحابه را در دل داشته باشد، کافر است، و چون شیعیان بغض صحابه را در دل دارند، کافر هستند. پرسش ما از علمای اهل سنت این است که، اگر دو نفر از صحابه به خاطر مسائل مالی و خانوادگی با هم نزاع کردند و اختلافی داشتند، آیا آن دو علی‌رغم صحابی بودن، کافر هستند؟ اگر صرف نزاع و بغض نسبت به صحابه را موجب ارتداد بدانید باید عمر، ابو هریره و خالد ابن ولید نیز کافر باشند؛ زیرا هنگامی که ابو هریره از بحرین با ثروت فراوان بازگشت، عمر بر او غضب نمود و او را به گونه‌ای مورد ضرب و شتم قرار داد که خون از بدن ابو هریره جاری گشت^(۱).

عمر و ابو هریره هر دو صحابی بودند. ابو هریره حدود پنج هزار روایت از رسول الله ﷺ نقل کرده است. حال چه تعداد جعلی و چه تعداد درست می‌باشد را باید در جای دیگری بررسی نمود. عمر نیز خلیفه دوم اهل سنت است. حال یا باید قائل به عدم صحابی بودن هر دو شد - که این نظر نادرست می‌باشد - یا باید

۱ - شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، جلد ۱۲ صفحه ۴۲، الاصابه، جلد ۱ صفحه ۷۵ و طبقات الکبری، جلد ۴ صفحه ۳۳۵.

قائل به صحابی بودن هر دو شد که در این صورت هم چون عمر و ابو هریره نسبت به یکدیگر بغض و کینه داشتند باید هر دو کافر باشند. به راستی این سؤال همواره در ذهن هر متفکری پدید می‌آید که آیا اهل سنت بر لوازم و توابع نظر خود آگاه هستند و آن را می‌پذیرند یا خیر؟

خالد ابن ولید^(۱) در مورد خود، می‌گوید:

بعثني رسول الله ﷺ في سرية ومعني عمار بن ياسر فأصبنا ناساً منهم أهل بيت قد ذكروا الإسلام. فقال عمار إن هؤلاء قد وحدوا فلم ألتفت إلي قوله فأصابهم ما أصاب الناس؛

پیامبر ﷺ مرا به سریه‌ای^(۲) فرستادند و به همراه من عمار یاسر بود و به گروهی برخورد کردیم که اظهار اسلام کردند، عمار گفت: این گروه توحید را پذیرفتند، اما من توجهی نکردم و آنان را کشتم^(۳).

۱- می‌گویند روزی عمر به ابو بکر گفت: خالد ابن ولید را باید به خاطر جنایتهایش حدّ بزنی، ابو بکر در پاسخ گت: خالد ابن ولید سیف الله (شمیر خدا) است، و من شمشیری را که خداوند بیرون کشیده است، در غلاف نخواهم گذاشت! [شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، جلد ۲ صفحه ۱۷۳]

۲- جنگهای که رسول الله ﷺ در آن شرکت نمی‌کردند و فرماندهی آن به عهده مسلمانان بود را سریه می‌گویند.

۳- می‌گویند شخصی را به اتهام کفر نزد هارون بردند، اما او اتهام ارتداد را نپذیرفت، هارون دستور داد او را زندان کنند و شلاق بزنند تا اعتراف کند. پس از چندی متهم درخواست صحبت با هارون کرد، او را به نزد هارون بردند و گفت: شما با رسول الله ﷺ فرق دارید، شما می‌زنید تا به کفر اعتراف کنیم، اما رسول الله ﷺ می‌زدند تا به اسلام و

قال: جعلني عمّار يتوعّدني لو قد رأيت رسول الله ﷺ فأخبرتته، فأتى النبي ﷺ فأخبره فلما رآه لا ينصره ولّى وعيناها تدمعان؛

خالد می گوید: عمّار ناراحت شد و به من وعده داد که اگر رسول الله ﷺ را ببینم، کار تو را به ایشان گزارش می دهم. پس عمار، پیامبر ﷺ را دیدند و به ایشان خبر دادند، اما چون هیچ کس حاضر نشد عمار را تأیید کند، با چشمانی اشک آلود بازگشت.

قال: فدعاني، فقال: يا خالد: لا تسبّ عمّاراً فإنّه من يسبّ عمّاراً يسبّه الله ومن يبغض عمّاراً، يبغضه الله ومن يسفه عمّاراً يسفهه الله؛

خالد می گوید: سپس رسول الله ﷺ مرا به نزد خویش فرا خواندند و فرمودند: عمّار را دشنام نده، به درستی که هر کس عمّار را دشنام دهد، خداوند او را دشنام می دهد. و کسی که بغض و کینه عمّار را داشته باشد، خداوند بر او بغض می کند، و هر کس عمّار را سفیه بداند، خداوند او را سفیه و کم عقل می کند.

قال خالد: استغفري يا رسول الله ﷺ! فوالله ما منعي أن اجيبه إلاّ تسفيهي إياه. وما من شيء أخوف عندي من تسفيهي عمّار بن ياسر يومئذٍ»^(۱).

→ توحید اعتراف کنیم البتّه متأسفانه امروزه نیز برخی از هارون پیروی می کنند و می خواهند به هر نحوی عدم اعتقاد مردم را به اسلام ثابت کنند، و هر چه می گویند ما مسلمانیم، آنان قبول نمی کنند و می گویند، دروغ می گویند، شما مسلمان نیستید.
۱- مستدرک حاکم، جلد ۳ صفحه ۳۹۰.

خالد می گوید: از پیامبر ﷺ درخواست عفو نمودم، [و عرض کردم] به خدا سوگند، تنها به خاطر اینکه عمّار را نادان می پنداشتم، پاسخ او را ندادم و اکنون بیشترین ترس من از این بابت است که عمّار را نادان می پنداشتم.

مدعیان عدالت تمامی صحابه، باید پرسشهای فوق را پاسخ دهند. چگونه بغض عمر و کینه خالد ابن ولید را پاسخ می دهند؟

مدعیان علم و فقاہت که به راحتی تکفیر می کنند و مخالفت با یک فرع فقهی را موجب کفر می دانند، بوسیدن و تبرک به ضریح ائمه علیهم السلام و سجده بر مهر را مساوی شرک می دانند، در مورد نکات بیان شده چه پاسخی ارائه می دهند؟

« والسّلام علیکم ورحمة الله وبرکاته »

خودآزمایی؛

- ① در آیه ۲۹ سوره فتح چه نشانه‌های برای همراهان رسول الله ﷺ ذکر شده است؟
- ② مالک ابن انس چرا کینه به دل داشتن از صحابه را حرام می‌داند؟
- ③ مالک ابن انس چگونه ثابت می‌کند که شیعیان کافر هستند؟
- ④ بر اساس آیه ۲۰ سوره محمد ﷺ واکنش برخی از صحابه هنگام جهاد چگونه بود؟
- ⑤ در آیات ۱۹ - ۱۸ سوره احزاب چه اوصافی را خداوند متعال برای برخی از صحابه بر شمرده است؟
- ⑥ آیا صحابه با همدیگر رفتاری همراه با عطف داشتند؟
- ⑦ استدلال مالک ابن انس را از نظر ادبی و نحوی نقد کنید.
- ⑧ ایمان واقعی باید دارای چه شرایطی باشد؟
- ⑨ هنگام بازگشت ابو هریره از بحرین برخورد عمر با او چگونه بود؟
- ⑩ رفتار خالد که مورد اعتراض عمّار قرار گرفته بود، چه بود؟
- ⑪ خالد ابن ولید در مورد رفتار خود با عمّار یاسر چه می‌گوید؟
- ⑫ پیامبر ﷺ در مورد عمّار به خالد بن ولید چه فرمودند؟

استناد مالک ابن انس و همفکران وی به آیه ۲۹
سوره مبارک فتح برای اثبات کفر شیعیان، بسیار آزار
دهنده می باشد؛ زیرا با توجه به کیفیت استدلال
آنان، از یک طرف اطمینان و یقین ما به بی سوادى و
کم بضاعتى علمای آنان بیشتر می شود و به قدرت
علمی و عظمت علمای شیعه بیشتر پی می بریم، و
از سوی دیگر بی سوادى علمای گذشته آنان، چهره
واقعی علمای امروزی آنان و بی سوادتر بودنشان را
نمایان تر می کند. به هر حال، در جلسات عمومی
بارها از آنان دعوت به مناظره کرده ایم. که یا آنان در
این مجلس حاضر شوند یا ما در هر مجلسی که
تعیین کنند حاضر شویم و بسیار صریح و به دور از
ملاحظات سیاسی به نقد و بررسی آراء یکدیگر
پردازیم، اما متأسفانه تاکنون پاسخی دریافت
نکرده ایم. (صفحه ۲۲ از همین جزوه)

www.yasrebi.ir

پست الکترونیک: info@yasrebi.ir

محل برگزاری جلسات:

کاشان: حسینیه مرحوم آیت الله یشربی رحمته الله علیه

تلفن: ۴۴۴۳۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷ نماير: ۴۴۴۹۹۳۳

به سوی معرفت ۴۷

۶